

## شیخ حسن در لجنزار مکتب اسلام

امیر فیض- حقوقدان

اظهارات شیخ حسن روحانی در عبارت زیر:

«یک عده بظاهر شعار میدهند ولی بزدل سیاسی هستند وقتی حرف مذاکره سیاسی پیش میآید میگویند ما میلرزیم، به جهنم بروید یک جای گرم برای خودتان پیدا کنید، خداوند شمارا ترسو ولرزان آفریده است»

سبب تنظیم این تحریر است.

عده ای زیر سایه جمهوری اسلامی به فحاشی های شیخ حسن اعتراض و ایراد وارد دانسته و اعتبار اعتراض یک دسته از آنان بر این پایه است که عبارات مزبور و همچنین اظهارات سابق شیخ حسن با ادبیات و مکتب اسلامی هماهنگ نیست، و عده ای هم گفته اند که احترام مقام ریاست جمهوری بالاتر از جایگاهی است که ورود این عبارات و الفاظ را اجازه دهد.

این دسته آخری بکلی بی ربط میگویند ریاست جمهوری مقامی در اسلام شناخته نمیشود که محترم شناخته شود و یا اصلاً جایگاهی داشته باشد.

### تظاهرات مجازی

اعتراض های دسته اول، قیل و قال آنها همه و همه مجازی است؛ همانند همان داستان مولوی است که شغالی به خم رنگ افتاد و خیال کرد طاوسی علیین شده.

حضرات معترضین به دلایل سیاسی کمی، آنهم با احتیاط زیاد خودشان را از منجلاب اسلام کمی بفهمی و نفهمی، آنهم موقتی دورنگاه داشته و وهم و خیال آنانرا برداشته که با ادبیات اسلام در فحش و ناسزا گوئی و تحقیر دیگران و مقدسات ملت های دیگرنا آشنا هستند.

### اسلام و فحاشی و تحقیر دیگران

محققینی که درباره ادبیات حرفهای سبک و فحش و ناسزای معمول در فرهنگ ملتها مطالعه کرده اند، متأسفانه جستجو و تحقیق آنها به ما ایرانیان نمره اول را داده است.

آنان دلیل این امرناشگون را ملحوظ نداشته اند در حالیکه دلیل مسلم آن اختلاط ادبیات اسلامی در فرهنگ اصیل ایرانی است.

ادبیات اسلامی ریشه از قرآن و سنت محمد دارد و اعتبار آن بملاحظه قدرت سرکوب و خشونت اسلام، بر فرهنگ اخلاق و ادب و سنت ایرانی غلبه غیر قابل انتظاری داشته است.

## فحش در قرآن

قرآن به فحش، ناسزا گفتن و اتهام، توسل و اهمیت بسیار داده و از نظر فلسفی میتوان گفت که قرآن بر مرکب فحش و تحقیر و خشونت به حرکت افتاده است.

فحش، تاثیری است که از خشونت بروز میکند یعنی غالباً اول فحش است و بعد خشونت. خشونت بدون فحش کمتر روی میدهد، و اگر هم روی بدهد فحش از روی نیت یعنی مقدمه برای ابراز خشونت نیست و سطحی است.

فحش های قرآن بر دو دسته تقسیم شده اند یکی فحش های حکمی و دیگری فحش های تشبیهی.

فحش های حکمی مخصوص خدا و قرآن است فحش های حکمی آن فحش ها و انتسابات عملی است که با مجازات های سخت از قبیل قتل، مصادره اموال، جدائی همسر و امثال آنها در این دنیا، و در آخرت با آتش ابدی دوزخ همراه است؛ این فحش ها در قرآن به استحقاق کسانی شناخته شده که کافر و یا ظالم شناخته میشوند که شمولی وسیع دارد از قبیل منافقون، مشرکین، منتقدین، فاسقون و بسیاری دیگر.

کسانی که از قرآن انتقاد کنند در سوره تحریم سگ معرفی شده اند. صادق امام شیعیان هم گفته >خدا بد تر و نجس تر از سگ خلق نکرده و کسی که با اهل بیت دشمنی کند از سگ نجس تراست< (یعنی همه اهل تسنن سگ تشریف دارند).

کسانی که در قرآن مشمول این قبیل فحشها میگردند، دیگر کارشان تمام است گرفتار غضب خدا میشوند یعنی اول فحش را از خدا میگیرند و بعد هم روانه شکنجه گاه جهنم میشوند، و در این دنیا هم از مجازات های شرعی بی نصیب نخواهند بود!

دسته دوم فحش هایی هستند که فاقد ضمانت اجراست مانند استعاره های ابله-مسخره-بوزینه- حیوان - پررو-وقیح-بی پدر- عنتر- چهارپا - خر- سگ - نجس و زنازاده و مشابهات آنها.

فحشهای مزبور مانند نقل و نبات در قرآن به مردم هدیه شده است و ادبیات اسلامی هم به اعتبار قرآن به آنها اعتبار ادبی داده است؛ که می بینیم آن فحش ها مبتلابه مردم مسلمان ایران هم میباشد و شعرای فارسی زبان هم آن فحش ها را مبانی شعری خودشان قرار داده اند مانند شعر معروف گلستان سعدی که میگوید:

نه محقق بود نه دانشمند      چهارپائی براو کتابی چند

که محققین اسلامی گفته اند اقتباس از آیه ۵ سوره الجمعه است.

## مستثنیات فحش در اسلام

در یک کلمه کوتاه و مستدل فقط و فقط مومنان از مشمول فحش های قرآن مستثنا هستند حتی مسلمانان هم از فحش های تشبیهی مصون نمیشوند.

قرآن یک قاعده کلی برای فحش دادن به مقدسات دارد که آن بغیر از فحاشی به انسان هاست. میگوید اگر میدانید که توهین به مقدسات طرف، سبب توهین به مقدسات شما میشود از توهین و تحقیر مقدسات دیگران خودداری کنید.

مفهوم مخالف این دستور قرآن این است که اگر اطمینان دارید که شرائط طوری است که در مقابل فحاشی و توهین شما به مقدسات طرف، به مقدسات شما توهین نمیشود، اشکالی ندارد (آنقدر توهین نکنید تا مقدسات طرف را یک پول سیاه کنید).

به اعتبار همین توصیه قرآن است که سنگردرچهاردهم امرداد ماه سال ۱۳۵۹ در شماره ۳۵ خطاب به خمینی که به ملت و ملیت ایران تازید، نوشت: <اکنون که به ملیت مامیتازی، به مذهبیت میتازیم و فریاد میکنیم که ما ایران را هزاران برابر بیش از مذهبیمان دوست داریم ما وطن پرست هستیم نه عرب پرست. ما وطن رامقدس میدانیم نه خرافات و تعبد گرانی و اسارت فکری را، ما، روشنفکری و روشن بینی را مستقبلیم نه سیه فکری و ارتجاع فکری را> (صفحه سوم همان سنگر مقاله؛ ای ایرانی من وطن تو هستم).

### شهود اثبات

عرض شد که اسلام منفک از دشنام و اتهام به مردم نیست شهود زیر مراتب را شهادت میدهند.

شادروان شجاع الدین شفا باصرف فرصت، فحش هائی که شخص خمینی در کتاب کشف الاسرار به یک ایرانی داده است که در مورد حدیث جابلقا و جابلسا تردید داشته جمع آوری و در صفحه ۱۴۲ کتاب چهار راه سرنوشت آورده است که به اتفاق میخوانیم:

تخم ناپاک، هرزه گرد، تبهکار، جرثومه فساد، افسارگسیخته، طرار، ماجراجو، یاوه سرا، عوام فریب، دروغ پرداز، کوچک مغز، رسوا، سیاه بخت، بیخرد، لجام پاره، عقل باخته، ناکس، خیره سر، ننگین، خیابان گرد، دیوانه، ابله، افیونی، مغزناپاک، بیمزه گو، معرکه گیر، زباله، خنک باف، خیانتکار، بی وجدان، یاوه گو، دروغ بند، مالیخولیائی، بیداد گر، تهی مغز، حیلہ گر، سفله، دد، حقه باز، بی آبرو، بی شرف، بیکاره، خانن، پررو، جانور، گدامنش، خارخسک، بی حقیقت، شرف سوز، فضول، روده دراز، سیگارفروش، شاگرد صحاف، آفریقائی، مختل الفکر، مختل الدماغ، صاحب آراء باطله و گفتارهای ناهنجار، بی ارزش، رسوای بی شرم. (صفحه ۱۴۲)

به فحاشی ها دقت کنید الهام یافته از فحاشی های در قرآن است.

اهمیت شهادت این شاهد در آن است که همه معترضین به شیخ حسن و خود شیخ حسن مدعی پیروی از راه و رسم خمینی هستند که او را هم رهبر حکومت اسلامی و متبجدر رعایت اسلام میدانند.

آیا یک مورد میتوان یافت که کسی به فحاشی های خمینی به یک ایرانی به اعتبار اینکه اسلام اجازه فحاشی را نمیدهد اعتراض کوچکی کرده باشد؟ البته که خیر.

### انبوه شهود دیگر

در تاریخ ایران هیچکس چون بابک خرم دینان در مقابل اعراب مسلمان نایستاد و به همین دلیل آماج بدترین اتهامات و فحاشی ها قرار گرفته است. این تحریر به شهادت مورخین اسلامی برای اثبات اینکه فحاشی و دشنام از فرهنگ اسلام و قرآن جدانیست استناد میکند.

### اتهام حرامزادگی

بدترین اتهام در اسلام حرامزادگی است؛ مورخین معروف اسلامی از قبیل ابن ندیم الفهرست - عوفی الحکایات، محمد بن عمران در تاریخ الرسل والملوک و غیره به عبارات متعدد و در مفهوم واحد اتهام تجاوز به عنف به زن کوری را تشریح کرده اند که حاصل آن بابک خرم دینان بوده است. فراموش نکنید که بابک یک ایرانی اصیل و میهن پرستی ناب بوده است.

بعد از اینکه مسلمانان نامی زمان، بابک را حرامزاده شناختند و شهادت دادند آنوقت به سراغ شخصیت سازی منفی برایش رفتند.

عوفی - جامع الحکایات نوشت بابک با زن یکی از پیشوایان خرم دینیان عشق بازی آغاز کرد و فسادی با آن زن مرتکب شد که پیش از او کسی نشان نداده است.

بابک همه محرمات را حلال میدانست. (التبصیر)

افشین در پنهان با بابک همدست بود برای هتک زنان. (الفرق بین الفرق)

مذهب بابک زنادقه بود و تنبذ و زنا را حلال میدانست. (محمد بلعمی - تاریخ طبری)

بابک و بزعم او محرمات مثل مباشرت با محارم حلال بود. (حبیب السیر)

بابک با خواهر و مادر خود گرمی آمد (زنا میکرد) - (مقدسی - البدء و التاریخ)

بابک مردی زندقه، نابکار و پلید و ملعون بود بابک دشمن دین لعنت بر او باد. (تاریخ گزیده)

مفسرین و محققین و اسلام مداران معروف زمان بابک، وقتی حساب شخصیت او را هم رسیدند، آنوقت باورهای دینی خرم دینیان را آنطور که میخواستند توصیف کردند.

خرم دینان در هر سال شبی دارند که مردان و زنان گرد هم می آیند و چراغها را خاموش میکنند و هر مردی به زنی که دست یابد با او نزدیکی میکند. (کتاب الانساب)

از مذهب آنها آنچه باید بدانیم این است که آنها چه حرامزاده هائی هستند. (خواجه نظام الملک)

ایشان از فروع مجوسند و مردانشان با خواهر و مادر و دختر خود نکاح کنند و به همین جهت آنها را خرمی گویند. (یاقوت - معجم البلدان).

از مورخین ایرانی، مانند؛ سعید نفیسی و علی اکبر دهخدا اتهامات به بابک را نادرست میدانند و کریستن نوشته است: «مزدکیان را متهم به اباحه و ترویج فحشاء و منکر کرده اند در صورتی که این کارها در اصل آئینشان نبوده و مابینت تام بازند و پارسائی اصلی آنان دارد.» (ایران در زمان ساسانیان)

این قبیل اتهام سازی و فحاشی ها همه از ناحیه مسلمانانی است که بیش از مسلمانان امروزی به قرآن مومن و آگاه و مدبر بوده اند و حتی یک مورد هم دیده نشده که کسی به آن فحاشی های نامی مسلمان، ایرادی گرفته باشد.

### بزرگترین فحش در جهان انسانیت

بزرگترین وزشت ترین فحاشی ها به عالم انسانیت از دائر و مدار قرآن و اسلام است. آنجا که قرآن میگوید حاکمیت از آن خداست یعنی انسان ها از حیوانات و چهارپایان هم در اسلام کمترند چراکه حیوانات هم در حد خودشان حاکمیت دارند و فقط جمادات است که حاکمیت آنها مشهود نیست.

تشبیه انسان به خروچهارپا و بوزینه و خوک تشبیه است ولی سلب حق حاکمیت از انسان ها آنها را در ردیف خوک و بوزینه هم قرار نمیدهد و در ردیف سنگ و خاکی محسوب میکند که چهارپایان و بوزینه ها بر روی آنها فضولاتشان را میگذارند.

حق سلب حاکمیت از انسان آنها در قرآن به معنای فقدان حق تشخیص و درک از مسلمانان است. (همینجا متوجه میشویم که چرا در موافقت نامه ژنو، طرف ایرانی موافقتنامه، تسلیم ادراکات ۱+۵ شده است ملتی که خودش قوه درک ندارد ناچار است به درک مقابل تسلیم باشد).

### نگاهی به فحاشی های شیخ حسن

شیخ حسن مردم را به جهنم حواله داده است؛ حواله شیخ حسن به جهنم، یک فرهنگ اسلامی ماخوذه از قرآن و سنت محمد است، قرآن ۷۷ بار در آیات و سوره ها از جهنم یاد کرده و بیشتر آن موارد هم تهدید انسان ها به جهنم است که بعد از توهین و تحقیر برخ انسان ها کشیده است.

(شاید تنها در آیه جزیه باشد که توهین و خفت، توام با اعمال خشونت نسبت به جزیه دهنده حکم شده است).

اهانت و دشنام «به جهنم» یکی از فحاشی های مشهور و عام است؛ میدانید چرا؟ زیرا هم در قرآن منتسب است و هم در سنت محمد که شرح مختصرش این است.

در جنگ بدر (عقیته بن ابی محط) یکی از سرداران دشمن به اسارت محمد در آمد، محمد گفت، ثابت گردن او را بزند، عقیته بن ابی محط، همانطور که دستش بسته بود فریاد کرد «ای پیغمبر خدا فرزندانم چه میشوند؟» «حضرت فرمود به جهنم» (تاریخ اسلامی و تاریخ طبری صفحه ۹۷۶)

**نظریه**

اظهارات شیخ حسن بشرحی که در ابتدای این تحریر آمده کاملاً منطبق با فرهنگ قرآن و اسلام است و تنها موردی که برای جمهوری اسلامی و مکتب داران اسلامی ایجاد تکلیف میکند آنجاست که شیخ حسن مدعی شده <خداوند شمارا ترسو و لرزان آفریده> این مطلب، نسبت دادن امر دروغ به خداوند و افتراست چراکه قرآن در آیه ۴۱ سوره الحاقه تعیین تکلیف کرده؛ آیه میگوید:

«فرستاده شده از پروردگار عالمیان که اگر محمد افترا کند بر ما (یعنی از قول خدا دروغ بگوید) هر آینه یگیریم ما از او دست و قطع نمائیم از او رگ گردنش را و هیچ احدی نباشد که مانع شود».